

کتابِ دانیال — نمبر پچپن

افشاگری بافتِ نبوی: مکاشفہ جبرائیل بہ دانیال

Jeff Pippenger

2024-01-19

جبرائیل دانیال کے پاس اس کے بعد آئے جب وہ یرمیاہ کی نبوت کے مطابق اسیری کے ستر برسوں، اور موسیٰ کی قسم اور لعنت کو سمجھ چکا تھا۔

در سال اول سلطنت او، من، دانیال، از کتب دریافتم کہ شمار سال‌هایی که کلام خداوند دربارهٔ آن‌ها بر ارمیا نبی نازل شده بود، این است که او هفتاد سال ویرانی‌های اورشلیم را به انجام خواهد رسانید.... آری، تمامی اسرائیل از شریعت تو تجاوز کرده‌اند، و منحرف شده‌اند تا آواز تو را اطاعت نکنند؛ از این رو لعنت بر ما فرو ریخته شده است، و نیز آن قسمی که در شریعت موسی، بندهٔ خدا، مکتوب است، زیرا به او گناه ورزیده‌ایم. و او سخنان خود را که بر ضد ما و بر ضد داوران ما که بر ما داوری می‌کردند گفته بود، استوار گردانید، به این‌که بلایی عظیم بر ما آورد؛ زیرا در زیر تمامی آسمان، آنچه بر اورشلیم واقع شده، مانندش به‌جا آورده نشده است. چنان‌که در شریعت موسی مکتوب است، تمامی این بلا بر ما آمده است؛ با این همه، ما به حضور یهوه خدای خود تضرع نکردیم تا از گناهان خود بازگردیم و حق تو را دریابیم. بنابراین، خداوند بر آن بلا دیده‌بانی کرده و آن را بر ما وارد آورده است؛ زیرا یهوه خدای ما در تمامی اعمالی که به‌جا می‌آورد عادل است، چون ما آواز او را اطاعت نکردیم. دانیال ۹:۲، ۱۱-۱۴.

هغه کلمه چې دانیال کارولې او «قسم» ژباړل شوې ده، هماغه کلمه ده چې موسیٰ په لویانو شپ‌رویشتم کې کارولې او «اووه ځله» ژباړل شوې ده. خور وایټ مور ته خبر راکوي چې په نهم فصل کې دانیال هڅه کوله د ارمیا د اويا کلونو د مودې او د دوه زره او درې سوه کلونو د مودې ترمنځ اړیکه درک کړي. جبرائیل ته په اتم فصل کې امر شوی و چې دانیال د دوه زره او درې سوه ورځو په رڼا وپوهوي، او جبرائیل خپله دنده هغه مهال بشپړوي چې په نهم فصل کې بېرته راکړي او دانیال ته خبر ورکوي چې هغه دې په خپل ذهن کې هغه دوه رڼاوې له یو بل څخه جلا کړي چې د اووم، اتم، او هم نهم فصلونو موضوع وې. همدغو دوو رڼاوو د «پوهې د زیاتوالي» موضوع جوړوله چې په 1798 کې مهربندي ترې لېرې شوه.

هفتاد سال ارمیا و «لعنت» موسی هر دو نماز «هفت زمان» هستند، چنان‌که در «سوگند» موسی بازنمایی شده است؛ اما جبرائیل می‌خواهد تجزیه دوره دو هزار و سیصد ساله را عرضه کند. این دوره تنها هنگامی می‌تواند به درستی تقسیم شود که نسبت رڼا («chazon») دربارهٔ پایمال شدن، و رڼا («mareh») دربارهٔ ظهور، به درستی از هم تفکیک شوند. جبرائیل با مشخص ساختن این نکته آغاز کرد که دوره‌ای آزمایشی به مدت چهارصد و نود سال به یهودیان داده شده بود. آن دوره همان دوره چهارصد و نود ساله عصیان بود که هفتاد سال اسارت را پدید آورده بود.

واژه «تعیین شده» در آیه بیست و چهار به دوره‌ای از زمان صدور فرمان سوم در سال ۴۵۷ ق.م. تا سنگسار شدن استیفان در سال ۳۴ م. اشاره دارد، اما واژه «تعیین شده» در آیات بیست و شش و بیست و هفت در حال شناسایی قدرت‌های ویرانگر بت‌پرستی و پاپی‌گری است.

اور باسټھ بفتوں کے بعد مسیحا کاٹ ڈالا جائے گا، لیکن اپنے لیے نہیں؛ اور آنے والے شہزادے کی قوم شہر اور مقدس کو تباہ کر دے گی؛ اور اُس کا انجام سیلاب کے ساتھ ہوگا، اور جنگ کے آخر تک ویرانیاں مقرر کی گئی ہیں۔ اور وہ ایک ہفتہ کے لیے بہتوں کے ساتھ عہد کو پختہ کرے گا؛ اور ہفتہ

کے وسط میں وہ قربانی اور ہدیہ کو موقوف کر دے گا، اور مکروہات کے پھیلاؤ کے باعث وہ اُسے ویران کر دے گا، یہاں تک کہ اختتام کو پہنچے، اور جو کچھ مقرر کیا گیا ہے وہ ویران کرنے والے پر اُنڈیلا جائے گا۔ دانی ایل 9:26، 27۔

غبرائیل دانیال را آگاہ می سازد کہ «بعد از» آن کہ «مسیح» «منقطع» شود، «قوم رئیس آینده، شهر و مقدس را خراب خواهند کرد.» روم بت پرست «شهر و مقدس» را در محاصره ای که دقیقاً سه سال و نیم، از سال 66 تا 70 میلادی، به طول انجامید، ویران کرد. غبرائیل تصریح می کند که «پایان آن جنگ» «با سیلی» خواهد بود، و آن جنگ مشتمل بر «ویرانی ها» خواهد بود. جنگی که بر ضد اورشلیم و مقدس به انجام رسید، همان پایمال شدنی بود که به وسیله بت پرستی و پاپیت تحقق یافت. قدرت بت پرستی که در آغاز اورشلیم را ویران می کرد، بایل بود؛ اما قدرت بت پرستی که پس از مصلوب شدن مسیح آن را ویران کرد، روم بت پرست بود. اما جنگ بر ضد مقدس و لشکر، به وسیله دو قدرت ویرانگر به انجام رسید، و دومین آن دو قدرت ویرانگر در کتب مقدس، پاپیت است.

پاپیت همان قدرتی است که به عنوان «تازیانه طغیان کننده» معرفی شده است؛ همان قدرتی که در آیه چهلیم دانیال یازده آمده است که «سرازیر می شود و درمی گردد». پایمال شدن اورشلیم که با بابل آغاز شد و با آن امت آهنین که به گفته موسی در تثنیه، سخنان تیره و مبهم بر زبان می راند، ادامه یافت، سپس به وسیله پاپیت دنبال شد. تا پایان این پایمال شدن، «ویرانی ها» «مقرر» شده بود. در آیه بیست و هفتم، مسیح عهد را با بسیاری برای یک هفته استوار می سازد. در میانه آن هفته، نظام قربانی زمینی متوقف می شد، زیرا مسیح خدمت کھانت اعظم خود را در قدس آسمانی آغاز می کرد. به سبب نافرمانی یهودیان در خلال زمان امتحانی ای که برای ایشان بریده شده بود، مقدس و شهر بار دیگر می بایست ویران گردند.

این آیه می گوید: «و به سبب گسترش مکروہات، آن را ویران خواهد ساخت، و این تا زمان انجام کامل ادامه خواهد یافت، و آنچه مقدر شده است بر ویران کننده فرو خواهد ریخت.» هنگامی که یهودیان سرانجام پیمانہ زمان آزمایش خود را تا لبریز پر کردند، شهر و مقدس می بایست تا پایان جنگ ویران بمانند. در «انجام کامل» پایمال شدن در سال 1798، «مقرر شده بود» که پاپیت زخمی مهلک دریافت کند. سپس شهر و مقدس می بایست، چنان که در نمونه آن هنگامی که یهودیان به موجب سه فرمان از بابل حقیقی بیرون آمدند، ترمیم و بازسازی شوند.

تا پایان آن جنگ، اورشلیم می بایست زیر پای قدرت پاپی پایمال گردد. دوره های نبوتی ای که ادوار متمایز درون دو هزار و سیصد سال را تشکیل می دهند، تنها هنگامی می توانند به درستی فهمیده شوند که رابطه رؤیای پایمال شدن با رؤیای هفتاد سال، در پیوند با رؤیای اعاده مقدسگاه و لشکر، درک شود. رد کردن رؤیای پراکندگی لعنت موسی، به معنای رد کردن رؤیای گردآوری است. رؤیای هفتاد سال، رؤیای پراکندگی است. رؤیای دو هزار و سیصد سال، رؤیای گردآوری است. رؤیای «chazon» پراکندگی است، و رؤیای دو هزار و سیصد سال، رؤیای «mareh» گردآوری است.

پس آنچه را خدا به هم پیوسته است، انسان از هم جدا نسازد. مرقس 10:9.

को दोनों करना अस्वीकार को एक और, है गया जोड़ा साथ एक अनुसार के भवषियवाणी को दर्शनो दोनों की वर्ष सौ तेईस वे कहै करता दावा यह ऐडवेटज्मि यदयपकि है करता प्रकट तथ्य यह है। करना अस्वीकार ही उतनी, है दिया कर अस्वीकार को स्तम्भ केन्द्रीय के ऐडवेटज्मि उन्होंने तौभी, है मानते को भवषियवाणी की परमेश्वर ने यहूदियों क्या था। कथिा अस्वीकार को "seven times" में 1863 उन्होंने जतिनी से नशिचतित्ता नहीं दावा का जोहने बाट की मसीह ने इस्राएल प्राचीन क्या? था कथिा नहीं दावा का करने पालन का व्यवस्था है। नहीं अर्थ कोई उसका तो, रखता नहीं स्थिर को वचन के परमेश्वर अंगीकार यद? था कथिा

میلیری‌ها سرانجام ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را به‌عنوان پایان دورهٔ دو هزار و سیصد روز شناسایی کردند، اما فهم ایشان محدود بود. تنها پس از ناامیدی بزرگ بود که نور در خصوص قدس آسمانی و ظهور مسیح در قدس‌الاقداس در آن تاریخ آشکار شد. تنها پس از آن تاریخ بود که آنان پیام فرشتهٔ سوم و شریعت خدا را دیدند.

خداوند قصد داشت نور نبوی مرتبط با دو هزار و سیصد سال را افزایش دهد، و در سال ۱۸۵۶ در نور بیشتری را گشود، و طی هفت سال بعد، ادونتیس‌م آن در را بست. تا پس از ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ نبود که خداوند محصلان نبوت را دوباره به مقالات هایرم ادسون رهنمون شد، و نور «هفت زمان» بار دیگر آغاز به افزایش کرد.

با امتناع از دیدن رابطه میان نبوت دو هزار و سیصد ساله و نبوت دو هزار و پانصد و بیست ساله، ادونتیس‌م ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ را به‌صورتی ناقص و نارسا درک کرد.

هنگامی که اس. اسنو تاریخ مصلوب‌شدن را به‌طور قطعی تثبیت کرد، تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ تعیین شد.

پس بدان و بفهم که از زمان صدور فرمان برای بازگردانیدن و بنا کردن اورشلیم تا مسیح رئیس، هفت هفته و شصت و دو هفته خواهد بود؛ کوچه و حصار از نو بنا خواهد شد، هرچند در زمان‌های تنگی. و پس از شصت و دو هفته، مسیح منقطع خواهد شد، لیکن نه برای خود؛ و قوم آن رئیس‌ی که خواهد آمد، شهر و قدس را ویران خواهند ساخت؛ و پایان آن با سیلی خواهد بود، و تا پایان جنگ، ویرانی‌ها مقدر شده است. و او با بسیاری برای یک هفته عهد را استوار خواهد ساخت؛ و در نیمه هفته، قربانی و هدیه را موقوف خواهد کرد، و به سبب گسترش مکروهات، آن را ویران خواهد ساخت، تا هنگام پایان؛ و آنچه مقدر شده است، بر ویران‌کننده فرو ریخته خواهد شد. دانیال ۹:۲۵-۲۷

میلیری‌ها تاریخ درست مصلوب‌شدن را تشخیص دادند و سپس پایان دورهٔ دو هزار و سیصد سال نیز مشخص گردید. «منقطع شدن مسیحا» در «نصف هفته» که در آن مسیح به سبب آنکه یهودیان پیمانۀ مهلتِ امتحان خویش را تا لبریز شدن پر کردند، چنان‌که با «گسترانیدن مکروهات» نمادین گردیده است، «عهد» را استوار ساخت، نیز شناسایی شد. صلیب به نشانه تاریخی‌ای بدل شد که در شناخت پیام فریاد نیمه‌شب ضروری بود.

با وجود نوری که در آیاتی قرار داشت که چنین ظهوری نیرومند از قدرت خدا را پدید آورد، میلیری‌ها هرگز به درکی از آن آیات نرسیدند که به‌وسیله اشتیاق دانیال برای فهمیدن رابطه میان دو رؤیا نمایان شده بود. هفته‌ای که در آن مسیح عهد را استوار ساخت، به دو دوره تقسیم شده بود؛ دوره‌هایی که خواهر وایت بعدها آن‌ها را نمایانگر خدمت شخصی مسیح به مدت سه سال و نیم، و سپس خدمت او آن‌گونه که به‌وسیله شاگردان نمایان گردید، شناسایی کرد. آنان دیدند که نشانه تاریخی صلیب به لنگری برای تعیین تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۸۴۴ بدل شد، اما ندیدند که آن همچنین مرکز دو دوره یکسان سه سال و نیم را نیز نمایندگی می‌کرد، و بدین‌سان «هفت زمان» را نمایان می‌ساخت، که خدا از طریق موسی آن را «مخاصمه عهد خود» نامید.

سپس من نیز به مخالفت با شما رفتار خواهم کرد و شما را هنوز به سبب گناهانتان هفت چندان مجازات خواهم نمود. و شمشیری بر شما خواهم آورد که انتقام نزاع عهد مرا بگیرد؛ و هنگامی که در شهرهایتان گرد آیید، و یا را در میان شما خواهم فرستاد؛ و به دست دشمن تسلیم خواهید شد. لاویان ۲۴:۲۵، ۲۵.

ہنگامی کہ مسیح عہد را با بسیاری استوار می‌ساخت، همان عہدی بود کہ او بر سر آن با یہودیان نافرمان منازعہ داشت. «مخاصمہ عہد او» در سال 723 پیش از میلاد آغاز شد، ہنگامی کہ آشوریان پادشاہی شمالی را بہ اسارت بردند، و سپس بہ مدت ہزار و دوہست و شصت روز نبوی، بت‌پرستی اسرائیل تحت‌اللفظی را پایمال ساخت. آن پایمال شدن، آنگاہ با ہزار و دوہست و شصت روز نبوی دیگر دنبال شد، کہ در آن پاپ‌گرایی اسرائیل روحانی را پایمال کرد.

ہفتہ نبوی‌ای کہ در آن مسیح عہد را استوار ساخت، در تحقق رؤیای دوہزار و سیصد سال، ہمچنین نمایانگر رؤیای دوہزار و پانصد و بیست سال نیز بود. میلری‌ها بہ اندازہ کافی از نبوت دوہزار و سیصد سال را دریافتند تا بتوانند پیام فریاد نیمہ شب را بہ درستی اعلام کنند، اما برگزیدند کہ بخشی از نوری را کہ تفسیر جبرئیل در باب نہم مقصود داشت منتقل سازد، رد کنند.

جبرائیل نے دانی ایل کو ہدایت دی تھی کہ وہ ان دونوں رویاؤں کو درست طور پر الگ الگ سمجھے (ذہنی طور پر جدا کرے)، جنہیں "matter" اور "vision" کے طور پر ظاہر کیا گیا ہے؛ اور اس ہدایت کی تکمیل میں سسٹر وائٹ ہمیں آگاہ کرتی ہیں کہ جب دانی ایل ستر ہفتوں (جو "سات اوقات" کی علامت ہیں) اور دو ہزار تین سو برس کے باہمی تعلق کو سمجھنے کی کوشش کر رہا تھا، تو یہی اس کے لیے اصل بار خاطر تھا۔

ردّ الأدفنتیۃ لـ«الأزمة السبعة» وضعها في موضع لم تستطع معه أن تفهم أن الفترة الأولى، البالغة أربع مئة وتسعين سنة، المقتطعة من الألفين والثلاث مئة سنة، كانت تمثّل تمرد العهد الذي يعرفه موسى بأنه «مخاصمة عهده».

آنان ہمچنین از این بازداشتہ شدند کہ دریابند مصلوب شدن در میانہ ہفتہ، تنها تاریخ را مشخص نمی‌کرد، بلکہ کانون خود مخاصمہ مسیح با نافرمانی اسرائیل را بہ واسطہ خون عہد آشکار می‌ساخت. آنان نسبت بہ این حقیقت نابینا بودند کہ آن خونی کہ بر صلیب برای بسیاری ریختہ شد و عہد او را استوار می‌ساخت، ہم‌زمان همان عہدی را نیز کہ در لاویان بیست و پنج و بیست و شش مقرر شدہ بود، تأیید می‌کرد.

اسرائیل قدیم بر خود عہدی گرفتند کہ آن را با این اعلام خویش تعریف می‌کردند: «ہر آنچہ خداوند فرمودہ است، بہ جا خواہیم آورد»، بی‌آنکہ هیچ آگاہ باشند کہ عہدی کہ مسیح عرضہ می‌داشت، اقتضا می‌کرد کہ شریعت او بر دل نوشتہ شود. تعریف فریسی‌مآبانہ آنان از شرایط عہد، ایشان را از فہمیدن و پذیرفتن عہد حقیقی بازداشت.

اسرائیل جدید نے ہفتہ کے وسط میں صلیب کے خون کی ایسی تعبیر اختیار کی ہے جو اسرائیل جدید کے لیے وہی نابینائی پیدا کرتی ہے جو قدیم اسرائیل پر اُس وقت طاری تھی جب انہوں نے مسیحا کو رد کیا اور اعلان کیا کہ قیصر کے سوا ان کا کوئی بادشاہ نہیں۔

اسرائیل جدید از این حقیقت نابیناست کہ تاریخی کہ جبرئیل برای دانیال ترسیم کرد، نہ تنها شامل استوار ساختن عہد است، بلکہ پراکندگی‌ای را نیز دربر می‌گیرد کہ بر کسانی وارد می‌شود کہ آن عہد را رد می‌کنند؛ زیرا آیات تصریح می‌کنند کہ روم بت‌پرست (آن رئیس کہ می‌بایست بیاید)، شہر و مقدس را ویران خواہد کرد، و اینکہ تا پایان آن جنگ (کہ مقدس و لشکر را پایمال کرد) «ویرانی‌ها»، بہ صیغہ جمع، مقرر شدہ بود.

در آن تاریخ کہ مسیح خون خود را ریخت تا عہد را با بسیاری استوار سازد، دو قدرت ویرانگر روم بت‌پرست و روم پاپی بہ طور مشخص معرفی می‌شوند. خونی کہ بر صلیب ریختہ شد، همان است کہ مسیح آن را بہ مقدس آسمانی می‌آورد، و نمادی از کار اوست کہ در رؤیای «mareh» مربوط بہ دو ہزار و سیصد سال بازنمایی شدہ است. آن تاریخ با تاریخ رؤیای «chazon» مربوط بہ دو ہزار و

پانصد و بیست سال درہم تنیدہ است، چنان کہ بہ وسیلہ آن دو قدرت ویرانگر نمایان می شود کہ می بایست مقدس و لشکر را پایمال کنند.

حقایقی کہ در رؤیای میلر بہ صورت جواهرات بہ تصویر کشیدہ شدہ بودند، همچون خورشید درخشان بودند، اما کامل نبودند. در ایام آخر، ہنگامی کہ فریاد نیمہ شب عیناً تکرار می شود، همان جواهرات بہ وسیلہ «مرد جاروی خاک» در صندوقچہ جدید و بزرگ تر افکندہ خواہند شد، و آنگاہ دہ برابر درخشان تر از آنچه در اصل بودند خواہند درخشید. آن ہا بہ محک پیام فریاد نہایی نیمہ شب بدل می شوند. آن جواهرات بہ طور مشخص بہ وسیلہ آن دو شاہدی کہ حقوق دربارہ ایشان نبوت کرد، بہ عنوان الواح، شناسایی شدند. ہنگامی کہ دو لوح نقشہ ہای پیشگامان ۱۸۴۳ و ۱۸۵۰ «سطراً بر سطر» بر یکدیگر نہادہ شوند، جواهرات میلر بہ طور مشخص شناسایی می گردند، و بدین سان آن جواهرات نمایانگر پیام فریاد نہایی نیمہ شب ہستند.

پیشگویی ای کہ پیش از ۱۸۴۴ تحقق یافتہ اند، مانند شناسایی وحش ہای دانیال ہفت و ہشت، بر بیش تر حقایق مندرج در آن دو نمودار دلالت دارند. تصویر دانیال دو نیز در آن ہا بہ نمایش درآمده است. استدلال مربوط بہ این کہ کدام یک—روم یا آنتیوخوس اپیفانس—رؤیا را تثبیت می کند، در آن جا آمدہ است. نخستین یأس و زمان تأخیر حقوق و دہ باکرہ نیز در آن جاست. ظہور فرشتہ سوم نیز در آن جاست، و همچنین قدس آسمانی. «قربانی دائمی» نیز بہ منزلہ نمادی از بت پرستی در آن جاست. و البتہ، سہ «وای» اسلام نیز در آن جاست. ہنگامی کہ این ہا در کنار یکدیگر قرار دادہ می شوند، آن دو نمودار تصویری از «افزایش معرفت» را ارائه می کنند کہ زمانی رخ می دہد کہ شیر سبط یہودا حقیقتی نبوی را از مہر می گشاید.

چنان کہ بررسی خود را دربارہ رؤیای نہر اولای بہ عنوان نماد معرفت نبوی ای کہ در زمان آخر، در سال ۱۷۹۸، مہرگشایی شد و فزونی یافت تا جواهرات درون جعبہ نو و بزرگ تر رؤیای ویلیام میلر را تشکیل دہد بہ پایان می بریم، بار دیگر بہ حقایق میلری کہ در تاریخ خود ناتمام بودند بازخواہیم گشت. برخی از آن ہا بہ سبب زمانی از تاریخ کہ میلری ہا در آن می زیستند در وضعیتی ناتمام باقی گذاشتہ شدند، و برخی دیگر از طریق نافرمانی کسانی ناتمام ماندند کہ از ہمگام شدن با نور پیش روندہ فرشتہ سوم سر باز زدند.

ہم ان باتوں کو اگلے مضمون میں جاری رکھیں گے۔

"وہ لوگ جنہیں خدا نے ایک پیغام کے ساتھ بھیجا ہے، صرف انسان ہیں، لیکن اُس پیغام کی ماہیت کیا ہے جسے وہ لے کر آتے ہیں؟ کیا تم اس سبب سے خبردار کرنے والی تنبیہوں سے روگردانی کرنے، یا انہیں حقیر جاننے کی جرات کرو گے کہ خدا نے تم سے یہ مشورہ نہ کیا کہ کیا زیادہ پسند کیا جائے گا؟ خدا ایسے آدمیوں کو بلاتا ہے جو کلام کریں، جو بلند آواز سے پکاریں اور دریغ نہ کریں۔ خدا نے اپنے قاصدوں کو اس زمانہ کے لیے اپنا کام کرنے کو برپا کیا ہے۔ بعض لوگوں نے مسیح کی راستبازی کے پیغام سے روگردانی کر کے ان آدمیوں اور ان کی کمزوریوں پر نکتہ چینی کی ہے، کیونکہ وہ حق کے پیغام کو اُس تمام لطف و شائستگی کے ساتھ نہیں سناتے جو مطلوب سمجھی جاتی ہے۔ اُن میں جوش بہت زیادہ ہے، وہ حد سے زیادہ سنجیدہ ہیں، حد سے زیادہ قطعی انداز میں بولتے ہیں، اور وہ پیغام جو بہت سے تھکے ماندے اور مظلوم جانوں کے لیے شفا، زندگی اور تسلی لاتا، کسی حد تک خارج کر دیا جاتا ہے؛ کیونکہ جس قدر اثر و رسوخ رکھنے والے لوگ اپنے ہی دلوں کو بند کرتے اور اپنی ہی مرضی کو اُس کے مقابل قائم کرتے ہیں جو خدا نے فرمایا ہے، اُسی قدر وہ اُن لوگوں سے نور کی کرن چھین لینے کی کوشش کریں گے جو نور اور زندہ بخش قوت کے لیے ترستے اور دعا کرتے رہے ہیں۔ مسیح نے اپنے خادموں کے خلاف کہی گئی ہر سخت، متکبرانہ، تمسخر آمیز بات کو ایسے درج کر لیا ہے جیسے وہ اُس کے اپنے ہی خلاف کہی گئی ہو۔"

«پیام فرشتهٔ سوم درک نخواهد شد، و آن نوری که زمین را با جلال خویش روشن خواهد ساخت، از سوی کسانی که از گام برداشتن در جلال فزایندهٔ آن سر باز می‌زنند، نوری کاذب خوانده خواهد شد. کاری که می‌توانست انجام شود، به سبب بی‌ایمانی ردکنندگان حقیقت، انجام‌ناشده باقی خواهد ماند. از شما که با نور حقیقت مخالفت می‌کنید، استدعا داریم که از سر راه قوم خدا کنار بروید. بگذارید نوری که از آسمان فرستاده شده است، در پرتوهایی روشن و استوار بر آنان بتابد. خدا شما را که این نور به شما رسیده است، در قبال بهره‌ای که از آن می‌گیرید، مسئول می‌داند. آنان که نمی‌خواهند بشنوند مسئول نگاه داشته خواهند شد؛ زیرا حقیقت در دسترس آنان قرار داده شده بود، اما ایشان فرصت‌ها و امتیازات خود را خوار شمردند. پیام‌هایی که حامل مهر تأیید الهی بودند، برای قوم خدا فرستاده شده‌اند؛ جلال، کبریا و عدالتِ مسیح، آکنده از نیکویی و راستی، ارائه شده است؛ کمال الوهیت در عیسی مسیح در میان ما با زیبایی و دل‌انگیزی آشکار گردیده است تا همهٔ کسانی را که دل‌هایشان با تعصب بسته نشده بود، مجذوب سازد. ما می‌دانیم که خدا در میان ما عمل کرده است. دیده‌ایم که جان‌ها از گناه به سوی عدالت بازگشته‌اند. دیده‌ایم که ایمان در دل‌های توبه‌کاران دوباره زنده شده است. آیا ما همچون آن جذامیانی خواهیم بود که پاک شدند و به راه خود رفتند، و تنها یکی بازگشت تا خدا را تمجید کند؟ بلکه بیایید از نیکویی او سخن بگوییم و خدا را با دل، با قلم، و با صدا بستاییم.» Review and

Herald, May 27, 1890